

دانلود جزوه فلسفه تعلیم و تربیت

[برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید](#)

بخشی از جزوه:

تربیت : همانا روندی است که آدمی را به مقام برخورداری از فرهنگ می رساند ، همانا راهی است برای گذر از قلمرو زیست حیوانی به سپهر زندگانی انسانی ، به سخن دیگر : آنچه انسان را از دیگر جانوران متمایز و ممتاز میکند ، امکان دستیابی اوست به فرهنگ ، تکامل

یک جامعه ، در داشتن یک فرهنگ نیست بلکه نتیجه رو کردن به آن و کوشش به همگامی و همراهی با آنست پس رو کردن به ارزش ها

نه تنها شرط لازم دست یافتن به ژرفای فرهنگ است ؛ بلکه شرط تکامل فرهنگ ، و نمودهای گوناگون آن نیز هست .

وابستگی تربیت انسانی ، با فرهنگ و ارزش ها ف یک بستگی لازم و ناگسستگی است . و همین نکته است که تفاوت بنیادی تربیت انسان و حیوان را آشکار می سازد . با نظر داشتن به این بستگی لازم میان تربیت و مقام انسانی است که می توانیم

در تعریف تربیت حقیقی بگوییم : کشاندن آدمی به سوی ارزشهای والای انسانی چنانچه ارزش ها را بفهمد بپذیرد دوست بدارد و کار آورد . برترین معنای تربیت ؛ روی آوردن آزادانه و آگاهانه است به ارزش های حقیقی است . زیرا جامعه نیز ، تنها آنگاه در راه تکامل خواهد بود ، که به ارزش های حقیقی رو کند .

بزرگترین وظیفه زمام داران هر جامعه ، فراهم آوردن این شرایط به گونه ای است که زمینه ای باشد برای امکان شکوفایی توانایی ها و تکامل معنوی جامعه ، یعنی رو کردن به ارزش های انسانی

نظریه های فلسفی :

جان دیویی می گوید فلسفه تربیت ، نه شاخه ای از تربیت ، بلکه خود فلسفه است سخن هگل : که فلسفه همانا تاریخ فلسفه است . افلاطون نخستین فیلسوفی است که به سنجش بنیادی تربیت پرداخته .

آموزش و پرورش چون یکی از بنیادهای زندگی اجتماعی است ، همواره وحتىی در جوامع اولیه در کار بوده است . انسان متفاوت با جانوران دیگر است بنا به سرشت خود توانایی برآوردن نیازهای خود را دارد و بر کارهای تواناست که آموخته باشد .

از سوی دیگر تنها از راه آموزش می تواند دانسته های خود را به آینده گان بسپارد . از این رو بستگی آموزش و پرورش با سازمان و فرهنگ یک جامعه تا بدان حد است که به هر نسبت جامعه به پایه و والاتری از فرهنگ رسیده باشد نقش آموزش و پرورش آن نیز در پایه ای برتر قرار دارد .

اهمیت فلسفه مصر در قلمرو علم و اهمیت فرهنگ ایرانی در زمینه دین و اخلاق بوده است .

چهار هنر اخلاقی دادگری ، دانایی ، جرات و خویشتنداری با نام سقراط و افلاطون همراهند.

فلسفه تربیت با افلاطون آغاز گردیده است.

سقراط

دیدگاه سوفیت سوفیا : یعنی دانایی و سوفیسیما : یعنی مهارت در گفتار

پس مهمترین معرفت پرخواسته از خود شاگرد است نه معلوماتی که به ذهن شاگرد میرسد . بلکه هر گونه جستجوی حقیقت ، کاری بیهوده است زیرا حقیقتی در میان نیست از اینرو بهتر آن است که به آموزش های سودمند مانند علم سیاست و فن سخنوری و دست یافتن به مهارت و جدل برای چیره بر دیگران ، روی آوریم .

تلاش سوفیستها :

با آموختن فن سخنوری و جدل به شاگردان خود آنان را آماده می کنند . با ایراد گفتار بلند و اشعار و داستان چنان در شنودگان اثر بگذارند که برای پذیرش هر نظر و عقیده ای آمادگی یابند . به آنان آموختند که چگونه استدلال کنند تا هر عقیده ای را بدون توجه به درستی و نادرستی آن گفتار شان به کرسی بنشانند . و مخالف را به زانو در آورند .

بسیاری از نویسندگان تاریخ آموزش و پرورش ، سوفیستها را اولین آموزگاران بزرگ یونان می خوانند هدف سوفیستها کسب قدرت و ثروت و سلطه بود .

تفاوت سوفیست و فلسفه

کارسوفیست درست روی فلسفه است . فلسفه روشنگری و کار سوفیست تاریک و به تاریکی پناه بردن ، نبرد سقراط با آنان همانا نبرد روشنایی و تاریکی است .

تفاوت سقراط و سوفیست